



معصومه سادات میرغنی

تفریحات سالم

عمران صلاحی، انتشارات
ویستار، تهران ۱۳۸۵



هر چه کتاب را سر و ته کنی، خبری از مقدمه‌اش نیست که نیست. تنها در صفحه‌های اولش می‌خوانی: «و اما روایان اخبار و ناقلان آثار چنین آورده‌اند که...» نه‌خیر! نوشتن مقدمه کار «صلاحی» نیست. این بار از او خواسته بودند تا قصه‌های طنزآمیز یا طنزهای قصه‌آمیزش را از کتاب‌هایی که داشته است، استخراج کند. او هم از مجموعه‌های «حالا حکایت ماست»، «از گلستان من ببر ورقی»، «عملیات عمرانی»، «موسیقی عطر گل سرخ» و نوشته‌های دیگرش، تفریحاتی سالم از چندین خط تا چند صفحه را جمع کرده که هر وقت فرصت داشتی، از هر کجای کتاب خواستی، می‌توانی ورق بزنی و به روش تفریحات سالم، تفریح کنی! البته ما که هیچ، خود نویسنده هم اعتراف کرده که واقعاً نمی‌داند اینها که آورده، داستان است یا مقاله یا روایت یا داستان مقاله! خلاصه کلام اینکه نویسنده با هزار فوت و فن خواسته این نوشته‌ها را به عنوان داستان جا بزند. (به قول خود او!)

نمونه‌هایی از این قصه‌ها که در آنها او به جای همه کسانی که قادر به سخن گفتن نیستند، حرف زده است:

• خری را در کشور شیلی به دادگاه بردند. رئیس دادگاه گفت: شما را به جرم اخلاق در نظم عمومی، به خطر انداختن امنیت ملی و توهین به مقامات مملکتی دستگیر کرده‌اند. شما متهم هستید که کلاه ژنالی روی سرتان گذاشته‌اید و روی پالانتان شعارهای مسخره و زننده نوشته‌اید و در تظاهرات شرکت کرده‌اید. از خودتان دفاع کنید.

خر که گوش‌هایش را تیز کرده بود، گفت: من هیچ گناهی ندارم. خواهش می‌کنم مرا وارد سیاست نکنید. از من استفاده ایزاری شده است. از این گذشته من انگشت ندارم که شعار بنویسم یا کلاه روی سرم بگذارم.

خر به ده سال زندان محکوم شد. هر کس او را پشت میله‌ها می‌دید، فکر می‌کرد گورخر است.

• سیبی بر بلندترین شاخه روییده بود. دو کودک زیر درخت، منتظر ایستاده بودند. اولی گفت: کاش باد تندى بیاید و سیب را بیندازد زمین.

دومی گفت: اگر یک مقدار انتظار بکشیم، سیب خودش می‌رسد و می‌افتد.

کرمی سرش را از سیب درآورد و با خود گفت: اگر اینها می‌دانستند که من اینجا مستاجر هستم، بیخود انتظار نمی‌کشیدند.

نتیجه اخلاقی: سیب، سیب است. چه کرم داشته باشد، چه کرم نداشته باشد. می‌توان قسمت کرم را درآورد و بقیه‌اش را خورد!

امام علی: و تفریحات سالم
محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی
تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ
اول، تابستان ۱۳۷۹



«مؤمن باید اوقات خود را به سه بخش تقسیم: کند بخشی که در آن با پروردگار خود راز و نیاز گوید و بخشی که در پی تحصیل معاش باشد و بخشی به خوشی‌ها و نشاط و لذت‌های حلال و نیکوی خود بپردازد و عاقل دنبال سه کار است: یا در پی اصلاح معاش یا در کار معاد و یا دنبال لذت‌های غیر حرام.» محمد دشتی در این کتاب از زبان مولای متقیان حضرت علی: تفریحات سالم را بازگو می‌کند. از دیدن زیبایی‌های طبیعت، از شنا و تیراندازی، از مسابقات اسب‌سواری، از لذت‌های حلال، رنگ کردن مو، طرح و مدل لباس، شادی و شوخی‌های مولا و...

این کتاب به تجمل و زیبایی برخورد‌های ایشان با یتیمان، میهمان‌ها و افراد دیگر اشاره شده است.

• روزی یکی از دوستان امام علی: حلویی تهیه کرد و از آن حضرت خواست تا تناول فرماید. امام فرمود: مناسب آن کدام است؟ جواب داد: امروز نوروز (روز عید) است. حضرت امیرالمؤمنین از آن حلوا میل فرمود و خندید و چنین شوخی کرد که: اگر می‌توانی همه روز را نوروز قرار ده.

شادی و نشاط در منابع و متون دینی

شکرت‌الله دانش، تهران، انتشارات
خردپژوهان، چاپ اول، ۱۳۸۴



از موضوعاتی که گاهی در محافل، مناظره‌های علمی و دینی و حتی در نوشته‌ها مطرح می‌شود، جایگاه شادی و نشاط در دین اسلام و تکلیف مسلمانان نسبت به آن است. نویسنده این کتاب در اثرش کوشیده است تا ضرورت شادی و اهمیت آن را از دیدگاه رهبران در موارد مثبت و منفی با در نظر گرفتن زمان و مکان مناسب بررسی کند و به بخشی عظیم از ابهامات موجود در این زمینه پاسخ دهد. در این کتاب به آیات، روایات و نمونه‌هایی از رفتار و گفتار ائمه معصومین: نیز اشاراتی شده و اثرات روحی، جسمی، اجتماعی، رفتاری، شادی، رشد علمی، کاهش جرائم، تعادل جسمی و روحی، رشد اقتصادی و نیز تأثیر شادی بر جامعه بیان شده است.

در این کتاب آمده است:

• با کندوکاو در نظریات و گفته‌های دانشمندان در متون معتبر و احادیث و روایات می‌توان موارد ذیل را در زمره عواملی برشمرد که حالت شادی و نشاط را در انسان پدید می‌آورند: ایمان، رضایت و تحمل، توکل بر خداوند، پرهیز از گناه، مبارزه با نگرانی، تبسم و خنده، مزاح و شوخی، بوی خوش، زینت کردن، پوشیدن لباس‌های روشن، حضور در مجالس شادی، ورزش، امید به زندگی، کار و تلاش، سیر و سفر، تفریح، دیدار با دوستان، تلاوت قرآن، تفکر در آفریده‌های خداوند، صدقه دادن، نگاه کردن به سبزه و آب روان.